

واکاوی طرح جامع بانکداری

بهار ۱۴۰۰



واکاوی طرح جامع بانکداری جمهوری اسلامی ایران

نهضت مردمی ممانعت از جنگ با خدا

ویراست بهار ۱۴۰۰

Reba.ir | info@Reba.ir

صفحه اختصاصی: Reba.ir/banking-plan



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

طرح جامع بانکداری جمهوری اسلامی ایران طرحی است که از سال ۱۳۹۴ بدست جناب آقای محمد حسین بحرینی نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی در حال پیگیری است. این طرح به علت مشکلات ساختاری و بنیادین فراوان همواره مورد اعتراض اساتید اقتصاد، مجتهدان و مراجع تقلید بوده، اما با این حال با اصرار بسیار زیاد جناب آقای بحرینی همواره پیگیری شده و جهت جلب نظر مخالفان ویراست‌های متعددی بر آن نوشته شده است. اما علی‌رغم این تلاش‌ها ایرادات اصلی طرح پابرجا بوده و در نسخه‌های جدیدتر موارد مناقشه برانگیزانه‌تری نیز به طرح اضافه شده به نحوی که نسخه‌های اخیر با تشویق و استقبال اقتصاددانان لیبرال کشور مواجه شده است.

در این گزارش به صورت اجمال به فهرست ایرادهایی که در این نسخه و نسخه‌های پیشین موجود است پرداخته شده و شرح و تفصیل آن در جلسات تخصصی در مجموعه‌های مختلف انجام شده است که متن و صوت برخی از این جلسات در فضای وب موجود است.

به علت اهمیت موضوع، نهضت با ایجاد پویایی به نشانی Reba.ir/Banking-plan مردم را به مخالفت با این طرح خانمان‌سوز دعوت می‌کند و از همه آحاد مردم می‌خواهد که با امضای این پویش سرنوشت خود را تغییر دهند چراکه معتقدیم خدای متعال سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه خودشان سرنوشتشان را تغییر دهند.

متن بیانیه پویش

(امضاء در Reba.ir/Banking-plan)

آنروزی که امام خمینی فرمود:

و اگر چنانچه ربا در کشور ما خدای نخواستہ، باشد؛ ما نمی‌توانیم بگوییم که جمهوری‌مان جمهوری اسلامی است، محتوای جمهوری، اسلامی است. از این جهت باید کارشناسان، علما در این مسئله بسیار فعالیت کنند، دقت کنند که ما را از این گرفتاری نجات بدهند، و ملت هم باید توجه بکنند به اینکه مواجه هستند با یک همچو چیزی که قرآن کریم می‌فرماید: **فَأَذِّنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ** اعلام جنگ بکنید با خدا. و اگر چنانچه بانکداری به آن معنایی که در جاهای دیگر هست رواج پیدا بکند، مردم از صنعت و کار و سایر چیزها باز می‌مانند، می‌نشینند توی خانه‌شان و پولشان برایشان کار می‌کند و حال آنکه پول نباید کار بکند.

آنطور که باید به آن توجهی نشد و مع الاسف در سال ۶۲ قانونی تصویب شد که نتوانست بانک‌های ایران را از بانک‌های دنیا متفاوت بکند و اصلاحات سال ۶۷ نیز در نهایت بانکداری را به آن معنایی که در جاهای دیگر دنیا هست در ایران رواج داد و اکنون خودتان قضاوت کنید؛ اگر تفاوتی جز در لفظ وجود داشت، چگونه ممکن است بانک‌های ایرانی در بین صدها بانک برتر جهان قرار گرفته و جایزه دریافت کنند.

اکنون وقاحت به جایی رسیده که می‌خواهند پا جای پای آمریکا گذاشته و کارکرد شورای فقهی را نمایشی کنند تا احکام اسلام در عمل ظهور و بروزی نداشته باشند و بانک مرکزی را همانند آمریکا مستقل کنند تا سرمایه‌دارانی که امام خمینی آن‌ها را زالو صفت و مکنده خون مستضعفان می‌نامد عملاً دستشان از پیش بازتر شده و در تصمیم‌گیری‌ها دخالت کنند.

آری، اسلام و کفر در یک جا جمع نمی‌شوند. اگر بنا به فرموده امام خامنه‌ای علوم انسانی غربی غیر توحیدی و کفر آمیز است، نمی‌توان اقتصاد را به شیوه غربی مدیریت کرد اما در نهایت به جایی که آمریکا رسید، واصل نشد! این نتیجه لیبرالیسم افسار گسیخته‌ایست که هنوز در آن انقلابی صورت نگرفته است. و ربایی که بنا به فرموده حضرت رسول از هفتاد زنا با مادر در کنار کعبه بدتر است. وقتی لقمه لقمه زیر پوست مردم رود، بی‌حجابی اولین پدیده است و باید منتظر موج زنا و لواط در جامعه بود؛ آنگونه که در کشورهای غربی این پدیده شوم جامعه‌شان را سالهاست در نوردیده.

ما امت مؤمن و مسلمان ایران اعلام می‌کنیم که طرح جدید بانکداری مجلس به علت عدم پرداختن به ریشه موضوع یعنی کپیتالیسم، نداشتن سازوکار و برنامه‌ای برای کنترل خلق پول، مجهول شدن کامل ریال، رفع تسلط فقه از تصمیمات بانک مرکزی، عدم وجود شفافیت در ساختار این طرح، یک طرح دشمن شاد کن است به نحوی که اساتید بنام لیبرال کشور این طرح را بسیار خوب ارزیابی کرده‌اند!

ما مردم، ضمن بیعت مجدد با حضرت الله و ولی‌عصر^ع اعلام می‌کنیم که با طرح مخالف بوده و در جبهه خدا باقی خواهیم ماند و نخواهیم گذاشت جمهوری‌مان اسلامی نباشد؛ و از این خطای مهلک با مطالبه از نماینده استان خود و آگاهی بخشی به همه مردم در مورد خطرات آن، جلوگیری و با آن مقابله خواهیم کرد.

فهرست اجمالی ایرادات طرح

۱	طرح مقوم لیبرالیسم و کاپیتالیسم است.	۱۶	عدم روند مشخص مدیریت نظام پولی
۲	پذیرفتن رمزارزها و ترندهای تمدن غرب	۱۷	عدم وجود نظارت و شفافیت
۳	باز تولید الگوی بانکداری غربی	۱۸	ضعف نظارت بر بانک مرکزی و مقامات آن
۴	طرح هیچ‌گونه همخوانی با حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی نداشته و سنجه‌های تمدنی را مدنظر ندارد	۱۹	عدم حل مشکل صوری سازی
۵	استفاده از منطق مدرن و مایل کردن فقه به طرح	۲۰	پذیرش قانونی ربای سیستم بانکی با عنوان مجهول عقد مرابحه
۶	جایگاه نامناسب شورای فقهی	۲۱	بی توجهی به مشکل بنگاه داری بانک‌ها و دست اندازی‌شان به بازار سرمایه
۷	رئیس بانک مرکزی فقهای دلخواه را انتخاب می‌کند.	۲۲	تجویز دریافت جریمه تأخیر
۸	استقلال بانک مرکزی از قوای سه‌گانه و حوزه علمیه و ایجاد قوه چهارم	۲۳	عدم تضمین کاهش تخلفات شرعی
۹	انتخاب ساختاری نامطمئن برای بانک مرکزی	۲۴	امکان انتقال اطلاعات اقتصادی کشور به دشمن
۱۰	برداشت اشتباه از استقلال بانک مرکزی	۲۵	تهیه شدن طرح توسط محفلی بسته و محدود
۱۱	اقتدار فوق العاده رئیس کل	۲۶	تصویب کلیات طرح، با مایه گذاشتن از امام خامنه‌ای
۱۲	در این طرح پول کشور توسط یک مجموعه مستقل اداره خواهد شد و نه دولتی	۲۷	از یاد بردن هدف اولیه
۱۳	ایجاد پلیس و دادگاه خصوصی (مشابه آمریکا)	۲۸	تغییرات زیاد در متن و شتاب برای تصویب
۱۴	موضوع ربا و خلق پول تحدید نشده است.	۲۹	از دست رفتن جنبه‌های مثبت قانون ۱۳۶۲
۱۵	پشتوانه ریال مجهول بوده و تورم باقی است	۳۰	ایجاد نکردن پشتوانه فکری برای بانک مرکزی به جهت ساخت تصمیمات مبتنی بر مسئله جهت تصمیم‌گیری

گرچه مهم‌ترین ایراد طرح، ورود به جزئیات بدون مشخص کردن پشتوانه فلسفی و مبانی فقهی طرح است. این طرح بدون طراحی یک نقشه راه، مستقیماً وارد بایدها و نبایدهای اجرایی شده است.

شرح مختصر برخی ایرادات

تأمین اهداف لیبرالیسم و کاپیتالیسم

مهم‌ترین هدف از انقلاب، استقرار اسلام در ارکان مختلف حاکمیت و سبک زندگی است. از همین روست که امام خامنه‌ای ذیل مبحث زنجیره تمدن‌سازی اسلامی غایت انقلاب را تمدن‌سازی دانسته^۱ و تمامی تلاش‌ها را به آن معطوف می‌داند. در بحث تمدن‌سازی نیز بخش «اصلی» را بخش نرم‌افزاری و «سبک» و مکتب خاص آن می‌دانند که می‌بایست برگرفته از اسلام باشد. اکنون، دنیا با نظریه «کلبه دیجیتال» آلوین تافلر^۲ به صورت یک دهکده درآمده که فعالیت نهادهای اجتماعی تمدن مدرن در سراسر آن به صورت یکپارچه قابل مشاهده است. مکتب سرمایه‌گرایی^۳ در تمدن مدرن غرب که به نوعی پارادایم حاکم بر همه مکاتب اقتصادی موجود است، در سراسر جهان پذیرفته شده است و اکنون نهادهایی مانند بانک که «غایت» این پارادایم را تأمین می‌کنند به صورت یکپارچه در ایران و جهان در حال فعالیت‌اند. افزون بر اقتصاد در سیاست، معماری، فرهنگ، سبک پوشش و خوراک نیز این جهانی‌سازی و نابودی خرده‌فرهنگ‌ها به وضوح مشاهده می‌شود، از پیتزا، کت و شلوار، برج‌های اداری گرفته تا شیوه مدیریت شهری و قوانین ارتش‌های جهان.

جهانی‌سازی گرچه انباشت تجارب بشری در برخی حوزه‌ها محسوب شده و علی‌الخصوص در حوزه‌های فنی و مهندسی نمی‌توان آن را نادیده انگاشت؛ اما در حوزه‌های علوم انسانی مانند، مدیریت جامعه، مدیریت معیشت (اقتصاد) و اداره میهن (سیاست) به علت ارتباط مستقیم با انگاشته‌های قبلی، که آن را ملتزم به فلسفه غرب می‌کند، قابل پذیرش نیست. به نحوی که امام خامنه‌ای می‌فرماید^۴:

«مبنای علوم انسانی غربی، مبنای غیرالهی است، مبنای مادی است، مبنای غیرتوحیدی است؛ این با مبانی اسلامی سازگار نیست، با مبانی دینی سازگار نیست. علوم انسانی آن‌وقتی صحیح و مفید و تربیت‌کننده صحیح انسان خواهد بود و به فرد و جامعه نفع خواهد رساند که بر اساس تفکر الهی و جهان‌بینی الهی باشد؛ این امروز در دانش‌های علوم انسانی در وضع کنونی وجود ندارد؛ روی این بایستی کار کرد، فکر کرد.»

بدیهی است مبنای مادی به معنای آن است که «مبنای علوم انسانی غربی ماتریالیستی^۵ است» و آدام اسمیت که پدر اقتصاد نیز شناخته می‌شود، یکی از پایه‌گذاران «لیبرالیسم»^۶ محسوب می‌گردد^۷. این سؤال را در ذهن متبادر می‌کند که چگونه می‌توان اقتصاد متعارف در دنیا را که بر فلسفه مادی‌گرایی برپا شده و لیبرالیسم را به عنوان زمین بسط خود انتخاب کرده و هدفی جز جمع‌آوری مال و سرمایه (سرمایه‌گرایی) ندارد را با اسلام عزیز یکی بدانیم.

^۱ تشکیل دولت اسلامی یکی از مراحل رسیدن به تمدن اسلامی است. ۱۳۹۲/۰۵/۲۵
<https://farsi.khamenei.ir/photo-album?id=23539>

^۲ Alvin Toffler

^۳ Capitalism

^۴ بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۳/۰۴/۱۱

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26859>

^۵ materialism

^۶ Liberalism

^۷ شهریار زرشناس، درباره دموکراسی، ص ۸۴

بر کسی پوشیده نیست که نهاد بانک در کنار سایر نهادهای اقتصادی، طی تطور پس از رنسانس^۸ برای تأمین کارکردهای این اقتصاد ایجاد شده‌اند و مباحث فنی و ریاضی آن به نوعی ابزارهای درون سیستمی محسوب می‌شوند. و ارتباطی به هدف اصلی آن نهاد ندارند.

پس می‌توان گفت، متأسفانه در این طرح نظر اندیشمندان صاحب‌نام در حوزه ساخت نظامات اجتماعی استحصال نشده و پشتوانه نظری و فلسفی طرح چه به صورت تطبیقی، چه مجزا به کلی موجود نیست. از همین رو این طرح در زمین نهادهای ساخته شده در حوزه لیبرالیسم و به تبع آن کاپیتالیسم باقی مانده و به نوعی در تعارض با بخش نرم‌افزاری تمدن نوین اسلامی «به عنوان غایت جمهوری اسلامی» قرار گرفته است.

این طرح نه تنها در حل اشکالات ساختاری حرفی برای گفتن ندارد بلکه در حل مشکلات بنایی نیز ناتوان است. طرح جدید ساختار را از جای دیگر گرفته و می‌خواهد فقه را با آن منطبق کند. در حالی که اسلام و احکام باید محور باشند نه این که احکام اسلام را دستکاری کرده و به خورد چیزی بدهیم. این طرح در تراز حرف جدید نیست. مشکلات و ساختارها را حل نمی‌کند. در تراز انقلاب اسلامی و بیانیه گام دوم نیست. ۶۰ الی ۷۰ درصد مطالب طرح جدید شفاف سازی قانون فعلی است. فلذا هدف از آن ایجاد تحول نخواهد بود بلکه علی‌الظاهر طرح بدنبال وجاهت قانونی است که بانک‌ها در جامعه اسلامی برای ادامه حیات و توسعه نقدینگی به آن محتاج‌اند. متولیان طرح اظهار می‌کنند این قانون صرفاً یک گام رو به جلو است غافل از اینکه طرح مطروحه مسیر نظام بانکی و بانک مرکزی را در ۵۰ سال آینده ریل‌گذاری خواهد کرد.

موضوع ربا و خلق پول

ربا به عنوان یک «موضوع» فرا دینی که در تمامی ادیان و تمدن‌ها وجود داشته است، اکنون به چهار دسته خرد (نزول بازاری بین دو فرد حقیقی) ربای بانکی (سود و دیرکرد بین فرد حقیقی و حقوقی) ربای دولتی (خلق بدون پشتوانه پول و سود خواری از تمامی حوزه مصرف آن واحد پولی بین فرد حقوقی و حق‌الناس عمومی) و ربای جهانی (خلق بدون پشتوانه دلار و سود خواری امپریالیسم جهانی از تمامی اهل کره زمین) تقسیم‌بندی می‌شود این اصلی‌ترین ایراد وارده به نظام پولی و بانکی است.

کاهش ارزش پول ملی که بنا به حکم آیت‌الله مکارم شیرازی^۹ اکل مال به باطل و حرام است به صورت گسترده توسط اقتصاددان‌های لیبرال تجویز شده و مدیران سیستم نیز به عنوان تنها راهکار مدیریتی از آن به صورت محدود یا گسترده در دوره‌های مختلف استفاده کرده‌اند. حال آنکه مرحوم آیت‌الله حائری شیرازی به عنوان یک فقیه و عضو خبرگان رهبری در کتاب «احیای پول اسلام»^{۱۰} می‌فرماید، پول اسلام ثابت بوده و خلق پول به شیوه امروزی نباید در آن باشد. با این اوصاف در این طرح اثری از توجه به این مهم دیده نشده و به لحاظ تئوری نیز این طرح برنامه‌ای برای کنترل خلق پول بانکی و تقویت ارزش ریال کشور را ندارد. لذا در صورت تصویب طرح نقدینگی کشور روز به روز افزایش خواهد یافت. لازم به ذکر نیست که در حال حاضر حجم نقدینگی کشور به چیزی بالغ بر ۳۳۰۰ همت رسیده است و این نقطه ضعف اصلی نظام بانکی محسوب می‌گردد.

^۸ انقلاب‌های اکونومی، کلبه کرامت

<http://kolbeh-keramat.ir/Documents/Single/3556>

^۹ <http://reba.ir/15853>

^{۱۰} <http://book.reba.ir/184/>

طبق نظر نخبگان اقتصادی مهم‌ترین عامل تورم لجام گسیخته و افزایش نقدینگی در کشور، خلق پول ایجاد شده توسط بانک‌ها است که موجب آسیب‌های غیر قابل جبران شده و نارضایتی اقشار مختلف جامعه را فراهم آورده است. نقدینگی ناشی از خلق پول بدون ضابطه و در نظر گرفتن نیاز اقتصاد رشد می‌کند و خود منشأ آثار مخربی در اقتصاد می‌باشد.

استقلال بانک مرکزی، پا جای پای آمریکا

به نظر می‌رسد این طرح برای جلوگیری از مداخله مکرر دولت در نحوه اداره بانک مرکزی که به افزایش حجم نقدینگی، افزایش پایه پولی، استقراض از بانک مرکزی، افزایش قیمت ارز و ... منجر شده است، در پی ایجاد نوعی از استقلال در بانک مرکزی است. بر این اساس با طراحی ساختار هیات عالی و جایگزینی آن با شورای پول و اعتبار در عمل اداره بانک مرکزی در اختیار ۶ اقتصاددان و حقوقدانی قرار گرفته است که هیچ کنترل و نظارتی بر تأثیرپذیری آن‌ها از مراکز قدرت و ثروت داخلی و خارجی وجود ندارد و بدیهی است با توجه به حساسیت تصمیمات آن‌ها، مطمئن نظر این گروه‌ها قرار بگیرد. علی‌رغم این وضعیت هیچ نوع پاسخگویی و استیضاح درباره عواقب تصمیم‌گیری‌های هیات عالی مد نظر قرار نگرفته و عزل آن‌ها که از طریق اجماع سران سه قوه پیش‌بینی شده، تقریباً غیرممکن است. علی‌هذا با عنایت به تبعات گسترده تصمیمات هیات عالی در اقتصاد برای سالیان متمادی نسبت به تصویب نهایی این با چارچوب فعلی اعلام خطر می‌کنیم. لازم به ذکر است که الگوی استقلال بانک مرکزی و اداره آن توسط بانک‌های خصوصی الگویی است که در ایالات متحده از دیرباز اجرا شده و ناموفق بودن آن در بحران‌های مالی به کرات به اثبات رسیده است.

لازم به ذکر است استقلال بانک مرکزی از دولت پروژه‌ای است که سالیان دراز در ایالات متحده به وقوع پیوسته و از ابتدای مطرح شدن گفتمان استقلال بانک مرکزی، همواره انتقادات از سوی اقتصاددانان مختلف نسبت به این موضوع وجود داشته است. اما پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ این انتقادات بسیار پررنگ شد. با این وجود، از زمان استقرار این پارادایم در بعضی کشورها، وضعیت باثبات‌تری در اقتصاد آن‌ها جز در یک دوره محدود مشاهده نشده است. علت آن است که منشأ بی‌ثباتی در اقتصادهای امروز بازارهای مالی هستند نه بازارهای کالا و خدمات؛ و یک بده بستان بین ثبات قیمتی و ثبات مالی وجود دارد. یعنی هر چقدر تلاش شود تورم در بازار کالا و خدمات پایین بیاید، در حقیقت این انرژی‌ها و عوامل تورم به بازارهای مالی منتقل می‌گردد.

عدم روند مشخص مدیریت نظام پولی

اشکالات اجرایی فعلی عمدتاً ناشی از مداخله گسترده دولت در بانک مرکزی و همچنین عدم نظارت مؤثر بانک مرکزی بر سیستم بانکی است که موجب بی‌انضباطی شدید در افزایش پایه پولی و ضریب تکاثری و عدم اختصاص تسهیلات بانکی به بخش مولد در نظام اقتصادی شده است. به نظر می‌رسد حل این معضلات، نیازمند وضع قانون جدید نبوده بلکه با اصلاح قانون فعلی و اهتمام مجلس بر نظام‌مند کردن ارتباط دولت و بانک مرکزی در قوانین بودجه سالانه از طریق هدف‌گذاری نرخ افزایش نقدینگی و تورم و همچنین نظارت قوی و مؤثر بانک مرکزی جهت بهبود عملکرد سیستم بانکی در این راستا کفایت می‌کند.

عدم وجود نظارت و شفافیت بر قوانین فعلی

عدم شفافیت ارتباط بانک مرکزی با ارکان حاکمیتی، نظام بانکی و فعالان اقتصادی و استفاده جزیره‌ای از سامانه‌های اطلاعات اقتصادی موجب سو استفاده گستردهٔ اخلاص گران در نظام اقتصادی شده است. حل این مسئله نیازمند عزم جدی دولت و بانک مرکزی در استفاده جامع و صحیح از سامانه‌های مذکور بوده که این مهم با عمل به قوانین فعلی هم امکان‌پذیر است.

تجویز دریافت جریمه تأخیر

واقعیت جریمه تأخیر در نظام بانکداری ربوی، اجاره پول در مدت تأخیر و جبران عدم‌النفع بانک‌ها به سبب تأخیر است، لذا جریمه‌های دریافتی در این نظام، حق بانک طلبکار محسوب می‌شود. در نظام بانکداری بدون ربا نیز تا به حال شبیه این منطق حاکم بوده است؛ یعنی وجه التزام پرداختی از سوی بدهکار که مرکب از دو بخش «سود پس از سررسید» و «جریمه» می‌باشد، متعلق به بانک طلبکار بوده است.

در ویراست‌های مختلف این طرح بسیار تلاش شده تا جانب بانک‌ها حفظ شده و بای نحو کان سود حاصل از جریمه دیرکرد به دست بانک‌ها برسد.

انتقال اطلاعات اقتصادی کشور به دشمن

طرح مورد بحث با هر ویراست، به سمت مطالبات لیبرال‌های اقتصادی نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود و اهداف اولیه طرح عملاً کنار گذاشته شده و با توصیه‌های نهادهای بین‌المللی همسو تر شده است. در یکی از ویراست‌های طرح، ذیل ماده ۴ بند ب، بخش ۶ آورده شده بود: «همکاری و تبادل اطلاعات با بانک‌های مرکزی و مقامات نظارت بانکی سایر کشورها» که مورد اعتراض شدید دلسوزان کشور واقع شد و در نسخه جدید در اقدامی مذبحانه و برای خاموش کردن اعتراض به حق دلسوزان تبدیل به «همکاری با بانک‌های مرکزی و مقامات نظارت بانکی سایر کشورها» و ارائه خدمات به نهادهای پولی و سازمان‌های بین‌المللی! شده است. متأسفانه به طرز واضحی مشخص است که طراحان، تنها در صدد خاموش کردن اعتراض به حق مخالفان هستند.

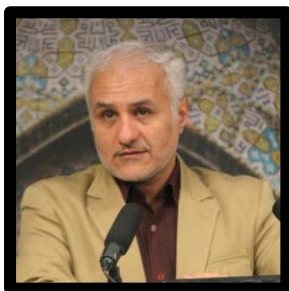
جمع‌بندی و پیشنهاد

ویراست‌های مختلف طرح نشان داد که طرح به هیچ‌روی از پشتوانه فقهی و علمی برخوردار نیست و نمی‌تواند کشور را ذیل بیانیه گام دوم، یک قدم به پیش ببرد. لذا پیشنهاد می‌شود که مخالفت با طرح نه با ویراست فعلی بلکه با گروه طراحی بوده و از ارائه نسخه‌های بعدی جلوگیری شده و با تشکیل یک «شورای عالی» متشکل از استراتژیست‌ها، اقتصاددانان و مجتهدان، به یک طرح جایگزین جامع دست پیدا کرد.

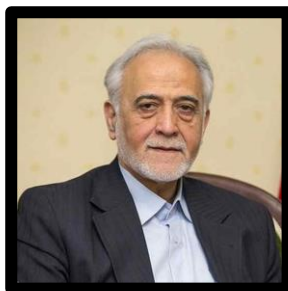
برخی مخالفان سرشناس طرح



حسین صمصامی



حسن عباسی



پرویز داوودی



آیت الله نوری همدانی



غلامعلی معصومی نیا



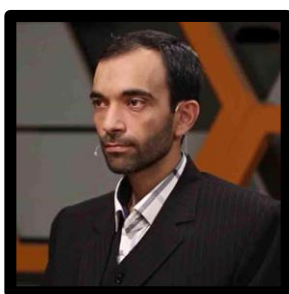
حسین میرزایی



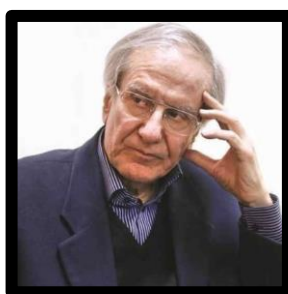
محمداسماعیل توسلی



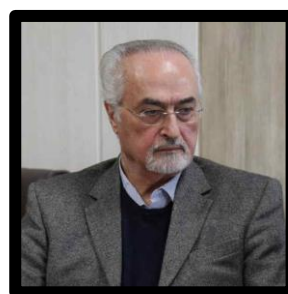
جواد عبادی



علی رهجو



مسعود درخشان



ایرج توتونچیان